هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

ساذج حمد و جوهر ثنا صریر قلم اعلی را لایق و سزاست که ضوضای علما و زماجیر اهل انشاء او را از ندا منع ننمود در جمیع احیان در مضمار حکمت و بیان بشأنی متحرّک که عوالم غیب کلّها از آنحرکت بشطر دوست توجّه نمودند حال مستور است سوف یظهره اللّه عدلاً من عنده انّه لهو الفیّاض الکریم این حرکت را سکون اخذ ننماید و این ندا را صمت از عقب درنیاید طوبی از برای نفوسیکه باصغای آن فائز شدند اولئک اهل البهآء و اصحاب السّفینة الحمرآء الّتی انزل اللّه ذکرها فی قیّوم الأسمآء لا اله الّا هو الفرد الواحد المقتدر القدیر

 سبحانک یا من عند ذکرک سجدت الأذکار و عند اشراق نورک خضعت الأنوار اسألک باسمک الّذی به سخّرت الأشیآء و فتحت مدائن ملکوت الأسمآء بأن تؤیّد عبادک علی ذکرک و ثنائک و وفّقهم علی العمل بما انزلته فی کتابک ای ربّ هذا یومک و فضّلته علی الأیّام و ذکرته فی الکتب و الزّبر و الألواح اسألک به و بما ینبغی له بأن تنزل من سمآء مشیّتک علی عبادک ما یقرّبهم الیک و یعرّفهم صراطک و یسمعهم آیاتک و یعلّمهم ما انزلته فی کتابک انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر انّک انت المقتدر القدیر ای ربّ صلّ علی اصفیائک و اولیائک الّذین ما منعتهم شئونات الجبابرة عن التّوجّه الیک و ما خوّفتهم الفراعنة عن الاقبال الی شطرک تفعل ما تشآء بقدرتک و تحکم ما ترید انّک انت العزیز الحمید

 عریضهٴ آنجناب را عبد حاضر در ساحت امنع اقدس عرض نمود و بشرف اصغا فائز گشت اینکه از ارض سؤال نمودی و ما نطق به الحکمآء فی‌الحقیقه این امور تا حال بتمامه کشف نشده هذا هو الحقّ و ما بعده الّا الضّلال ولکن حکمای این اعصار نظر بآنکه از تجلّیات انوار ظهور قسمت برده‌اند اعرف از قبلند تا حال عدد سیّارات را بتمامه نیافته‌اند عنقریب کشف میشود و بر عدد سابق میافزاید این علم بحریست بی‌پایان از برای هر یک از ثوابت سیّاراتیست و هر یک از سیّارات عالمی است از عوالم پروردگار من یقدر ان یحصی جنود ربّک فیها او صنائع عباده فیها روحانیّت روح عالم انجیل را مزیّن نمود ولکن اهلش غافل و در هیماء ضلالت سالکند و بر فراش غفلت نائم از صیحه و صور بشعور نیامده‌اند و از قبور هوی برنخاسته‌اند عنقریب جزای اعمال را مشاهده نمایند انّ ربّک لهو العادل الحکیم

 اینکه از روح و سیر او سؤال نمودی ارواح مستقیمهٴ مجرّده که مقدّس از شئونات ارضند مربّی عالم بوده و هستند لعمر اللّه بعد از صعود مهیمن و محیطند لم‌یزل و لایزال اینمقام مستور بوده و بخاتم حفظ الهی مختوم و در خزانهٴ عصمت محفوظ لسان از ترجمه عاجز و عقول و افئده از ادراک قاصر مترجم اوّل که بر صدر عالم مقرّ اخذ نموده لسان بوده و او مکرّر بر عجز خود اعتراف کرده و آنچه در اینمقام ذکر شد محض فضل و عنایت بوده اینقدر معلوم و واضح گردد که ارواح مقدّسهٴ مجرّده که از این عالم بنور انقطاع صعود نمایند سبب بزرگند از برای تربیت عالم و ظهور صنایع و حکم در رتبهٴ اوّلیّه مقصود از ارسال رسل و انزال کتب این بوده یعنی تزکیهٴ نفوس و تصفیهٴ ارواح و تنزیه و تقدیس آن طوبی از برای نفوسیکه الیوم باصغاء حفیف سدرهٴ منتهی فائز شده‌اند و عرف قمیص را ادراک نموده‌اند ای دوستان امروز روز عمل خالص است و روز ذکر و ثناست جهد نمائید تا فائز شوید بآنچه که عرف هستی از او بدوام ملک و ملکوت استشمام شود قل خذوا کتاب اللّه بقوّة من عنده ثمّ اعملوا ما امرتم به فیه انّه لهو الآمر الحکیم

 و اینکه در بارهٴ کسب و معاملات ذکر نمودی این امور در کتاب الهی بمشورت معلّق شده با نفوس مؤمنهٴ مستقیمه مشورت نمایند یعنی در کسب و اقتراف و امثال آن و آنچه ظاهر شود متوکّلاً علی اللّه عمل کنند هذا حکم اللّه و هذا امر اللّه طوبی لمن سمع و عمل و ویل للغافلین

 و اینکه در بارهٴ حقوق ذکر نمودی این مخصوص است بحقّ جلّ جلاله باید بساحت اقدس ارسال شود الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید چون آنجناب سؤال نمودند اینجواب از سماء عنایت نازل اینفقره فرض است بر کل و شرف کل در ادای آنست چه که سبب تطهیر اموال و برکت و ازدیاد نعمت بوده و هست و تا حال ناس از اینفقره غافلند سعی نموده و مینمایند یا از حلال و یا از حرام چیزی ذخیره نمایند و از برای ورّاثیکه ثمر آن معلوم نیست بگذارند بگو امروز کلمة اللّه وارث است چه که مقصود از وارث ابقاء ذکر و اثر بوده و این بسی واضح و معلوم است که قرون و اعصار این اذکار را محو نماید ولکن هر کلمه‌ئی که از قلم اعلی در بارهٴ نفسی جاری شد بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است اینست فضل اعظم و نعمت کبری من شآء فلیعمل و من شآء فلیترک

 ذکر توجّه بشطر سجن را نمودند بعد از اشتعال نار ظلم در ارض طاء این ارض هم فی‌الجمله منقلب مشاهده شد گفتگوهای کاذبه بمیان آمد لذا نظر بحکمت امر بتوقّف شد اگر بتدریج توجّه نمایند متمسّکاً بالحکمة بأسی نیست اقرار در هیچ محل جایز نه متوکّلاً علی اللّه واحد و اثنین عازم شوند در جمیع احوال باید حکمت را از دست ندهند تا ضوضا از آن ارض مرتفع نشود اعمالی را که از قبل بآن عامل بوده‌اند باید تغییر ندهند حکمةً من اللّه ربّ العالمین امروز باید نظر کل بافق اعلی وحده باشد آنچه را بآن امر فرماید اوست حکم اللّه مابین عباد یشهد بذلک من ینطق انّه لا اله الّا هو الفرد الخبیر

 دوستان را تکبیر میرسانیم و به ما یرتفع به الأمر امر مینمائیم و آن اعمال و اخلاقیست که سبب علوّ و سموّ کلمة اللّه است بین عباد البهآء المشرق من افق سمآء فضلی علیک و علی احبّائی الّذین اقبلوا بالقلوب الی اللّه المقتدر العزیز المحبوب اماء آن ارض را تکبیر میرسانیم و بعنایات حقّ جلّ جلاله بشارت میدهیم باید کل بکمال تقدیس و تنزیه در لیالی و ایّام بذکر حقّ مشغول باشند هر یک از امآء اللّه که الیوم باصغا فائز و بجواب مؤیّد او از ورقات فردوس اعلی در کتاب اسماء مذکور و مسطور ان افرحن یا امآء اللّه طوبی لکنّ و نعیماً لکنّ کم من رجل منع عن الحقّ و کم من امة اقبلت و فازت بعرفان اللّه العلیّ العظیم حمد کنید محبوب عالمیانرا که شما را از مابین اماء برگزید و بطراز عرفان خود مزیّن نمود البهآء علیکنّ و علی اللّائی فزن بهذا المقام العزیز المنیع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ٣٠ ژانویه ۲۰۲٣، ساعت ٢:٠٠ بعد از ظهر